

فصلنامه علمی-ترویجی مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی (فروغ وحدت)
سال یازدهم / دوره جدید / شماره ۴۱ / پاییز ۱۳۹۴
صص ۷۲-۵۹

رحمة للعالمین بودن پیامبر(ص) در قرآن از نگاه تفاسیر فریقین

• علی غضنفری

استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم

ali@qazanfari.net

• مصطفی زارعی بلوط بنگان

کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه مذاهب اسلامی (نویسنده مسئول)

zareimostafa28@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۱/۸، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۷/۱۹

چکیده

«رحمة للعالمین» بودن پیامبر(ص) در قرآن، به عنوان یک ویژگی شاخص برای ایشان مطرح شده است. این ویژگی نیازمند توضیح و تبیین بیشتری است که تا به حال به آن پرداخته نشده است، از این رو در این نوشتار، به منظور تبیین و توضیح این ویژگی، به تفاسیر فریقین مراجعه شده است. مفسران فریقین برای این توصیف پیامبر(ص)، سه معنای کلیدی مطرح کرده‌اند که عبارتند از: جهانی و جاودانه بودن، سعادت و عاقبت به خیری، و مانع عذاب الهی. از بررسی این موارد، این نتیجه حاصل می‌شود که مردم دنیا اعم از مؤمن و کافر، همگی مرهون رحمت پیامبر(ص) هستند و هدف پیامبر(ص) از جنگ، خون‌ریزی و کشتار نبوده است؛ زیرا هیچ‌گاه کسی را نفرین و در هیچ حال از درگاه خداوند عذاب کسی را درخواست نکرد. بنابراین پیامبر(ص) برای همه انسانها در همه زمانها و مکانها تا پایان جهان، رحمت است؛ زیرا آنچه را موجب سعادت ابدی مردم است، برای آنها آورده است.

کلیدواژه‌ها: سیره پیامبر(ص)، رفق و مدارا، رحمة للعالمین، تفاسیر فریقین، فلسفه رحمت.





مقدمه

شناخت ویژگیهای پیامبر(ص)، علاوه بر ارزش علمی، ثمرات عملی برای انسانها در پی دارد. اگرچه شخص پیامبر(ص)، به ظاهر از دنیا رحلت فرموده، ولی شخصیت او تا روز قیامت، زنده و جاودان است و می‌بایست به او اقتدا کرد. خداوند، سیره پیامبر(ص) را برای همیشه و همه انسانها در طول تاریخ، اسوه و الگو قرار داده است. از این رو، اقتدای به او را در تمامی شئون می‌طلبد. پس این‌گونه نیست که با رحلت پیامبر(ص)، خصایص منقضی شوند و نیازی به شناخت آنها نباشد. یکی از این خصایص، رحمت بودن آن حضرت می‌باشد. از آیات مختلف قرآن، به خوبی استفاده می‌شود که پیامبر(ص)، رحمت و لطف خداوند بر جهان بشریت است. این نوشتار در صدد پاسخ به این سؤال است که شناخت خصایص پیامبر(ص)، به ویژه رحمة للعالمین بودن ایشان، برای انسانهای معمولی و به خصوص مسلمانان پیرو آن حضرت، چه فایده‌ای دارد؟

پیشینه تحقیق

از جمله کتبی که درباره سیره پیامبر(ص) نگاشته شده است، عبارتند از: *السیرة النبویة*، *نبردهای محمد(ص)*، *برخوردهای پیامبر(ص)* و *یهودیان حجاز*، *پیرامون سیره نبوی*، *حیة النبی و سیرته*، *سیرة الرسول عن طبقات ابن سعد*، *پدید آورنده رحمت*، *رحمة للعالمین*، و *رحماء بینهم*. همچنین مقالاتی در این زمینه به رشته تحریر درآمده است، از جمله: «بررسی مفهوم رحمة للعالمین در سیره پیامبر اعظم(ص)»، «پیامبر رحمت، مدارا و قاطعیت» و «قطره‌ای از فضایل رحمة للعالمین». این کتب و مقالات به صورت مختصر، به ویژگی رحمة للعالمین بودن پیامبر(ص) پرداخته‌اند و در آنها، معنای رحمت بودن به صورت کلی بیان شده است. از این رو، با توجه به کاستیهای موجود، در این

نوشتار، رحمة للعالمین بودن پیامبر(ص)، به صورت تفصیلی از نظر فریقین مورد بررسی قرار می‌گیرد، تا ضمن تبیین دقیق این مفهوم، جلوه‌های رحمت بودن پیامبر(ص) نمایان شود.

مفهوم شناسی رحمت

ابن‌منظور و جوهری در مورد معنای لغوی رحمت می‌گویند: «رحمت؛ یعنی مهربانی و دلسوزی»^۱. راغب اصفهانی می‌گوید: «رحمت به معنای بخشش، بخشندگی و مهربانی است»^۲. قرشی نیز می‌گوید: «رحمت به معنی مهربانی است»^۳. حسن مصطفوی به منظور جمع بندی نظرات لغویان، می‌گوید: «رحمت در لغت، به معنای تجلی دوستی و مهربانی است؛ یعنی زمانی که دوستی در عمل نمود پیدا کند و براساس خیر و مصلحت باشد، کلمه رحمت به کار می‌رود. به همین جهت، گاه ممکن است رحمت در نشان دادن داروی تلخ به مریض تجلی یابد»^۴.

رحمت در اصطلاح، به معنای نرمی و نرم خوبی است که نیکی کردن به طرف مقابل را اقتضا می‌کند، از این رو، گاهی درباره مهربانی و نرم‌دلی به طور مجرد و گاهی در معنی احسان و نیکی کردن که مجرد از رقت است، به کار می‌رود.^۵ در رحمت صادقانه، شخص دلسوزانه عمل می‌کند و دوست دارد دیگران نیز از چیزی که او از آن لذت برده است، لذت ببرند و آن احساس را تجربه کنند. کسی که دل‌رحم است، حالتی انعطاف‌پذیر نسبت به دیگران دارد. پیش‌فرضهای ذهنی انسان دل‌رحم، به سعادت رسیدن کل جامعه می‌باشد. کسی که دلسوز است، دوست دارد انسانها رشد کنند و به کمال برسند و به همین دلیل از منافع

۱. لسان العرب، ج ۵، ص ۱۷۳؛ الصحاح، ج ۴، ص ۱۹۴۶.

۲. مفردات الفاظ القرآن، ج ۲، ص ۵۸.

۳. قاموس قرآن، ج ۳-۴، ص ۷۱.

۴. التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۶، ص ۹۲.

۵. مفردات الفاظ القرآن، ج ۲، ص ۵۷.

شخص خود می‌گذرد.

تبیین کلمه العالمین و رحمت بودن پیامبر(ص) نسبت به دیگر انبیا

خداوند می‌فرماید: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ»^۶ «و تو را جز رحمتی برای جهانیان نفرستادیم». این آیه، دلالت بر رحمتی دارد که به سوی همه جماعت‌های بشری فرستاده می‌شود. آمدن الف و لام بر سر کلمه «عالمین»، دلیل عمومی بودن رحمت پیامبر(ص) است، علاوه بر اینکه مقتضای رسالت هم همین است. رحمت برای همه اهل دنیا، به این جهت است که سعادت را برای اهل دنیا، در دنیا و آخرتشان تأمین می‌کند. پیامبر(ص) برای اهل دنیا رحمت است، به جهت آثار حسنه‌ای که از قیام او، با دعوت حقه‌اش، در مجتمعات بشری به راه افتاد که اگر وضع زندگی بشر آن روز را قبل از اینکه آن جناب مبعوث شود، با وضعی که پس از قیام او به خود گرفت، مقایسه کنیم، کاملاً روشن می‌گردد.^۷

در التفسیر المنیر درباره رحمة للعالمین آمده است: «ای محمد(ص) ما تو را نفرستاده‌ایم، جز اینکه رحمتی بر جهانیان باشی و منظور از للعالمین، جن و انس است و علت برانگیخته شدن به سویشان، کمک به آنها برای اصلاح دنیا و آخرتشان است».^۸

رحمت بودن پیامبر(ص) برای همه بشریت، به معنای این است که خداوند به وسیله آن حضرت، آیینی را فرستاده است که نه تنها کسانی که به آن گرایش پیدا می‌کنند، از آن نعمت برخوردار خواهند شد، بلکه اگر کسانی به دلیل عدم قابلیت مسلمان نشدن، نیز از آن رحمت برخوردار شوند؛ زیرا پیامبر(ص) مانند خورشیدی است که همه موجودات عالم از شعاع وجودی آن بهره‌مند می‌گردند، هر چند برخی

موجودات کمتر و برخی بیشتر استفاده می‌کنند. حال اگر موجودی به هر دلیل، کمتر از شعاع خورشید بهره‌مند گردد، به عمومیت شعاع خورشید لطمه‌ای وارد نمی‌شود؛ زیرا خورشید فاعلیت تامه و عامه دارد و آن موجود، خود قابلیت نداشته است که بیشتر از خورشید استفاده کند. رحمت بودن آن حضرت برای عالمیان، فراتر از ایمان آوردگان به آیین آن حضرت است؛ برای نمونه، درباره آن حضرت آمده است: «آداب و سلوک پیامبر(ص)، چنان تأثیری در روحیه انسانها گذاشته است که بسیاری از رهبران جوامع بشری در برخورداری خود از آن حضرت الگو گرفته‌اند».^۹

به گفته ملا صالح مازندرانی، آن حضرت در جنگها به دشمنان خود، ترحم می‌کرد و به آنان امان می‌داد. آن حضرت این سیره حسنه را میان پیروان خود نیز تبلیغ می‌کرد که اگر مسلمانی به یکی از کافران امان بدهد، امان او معتبر است و کسی حق تعرض ندارد. وی می‌گوید: «پیامبر از اهل کتاب مانند مسلمانان که باید مالیات می‌دادند، جزیه می‌گرفت و با دادن جزیه، در پناه اسلام، با آسایش و امنیت خاطر زندگی می‌کردند».^{۱۰}

به تعبیر دقیق‌تر، می‌توان گفت که پیامبر اسلام(ص) برنامه‌هایی ارائه داده است که در هر عصری، جانب معاش و معاد زندگی انسانها را مورد توجه قرار داده است؛ برنامه‌هایی که براساس جلب مصلحت و اجتناب از مفاسد، سامان‌دهی و سازمان‌دهی شده است و از این جهت که مؤمن و کافر در سایه برنامه‌های پیامبر(ص) می‌توانند در کنار یکدیگر زندگی مسالمت‌آمیزی داشته باشند، آن حضرت رحمت برای همه انسانها است.

طبرسی می‌گوید: «رحمت بودن پیامبر(ص) برای

۹. بررسی دیدگاهها درباره اختصاصات پیامبر خاتم(ص) از نگاه

قرآن، ص ۲۸۸.

۱۰. شرح اصول الکافی، ج ۱۲، ص ۲۲۰.

۶. انبیا، ۱۰۷.

۷. میزان، ج ۱۴، ص ۴۶۷.

۸. التفسیر المنیر، ج ۱۷، ص ۱۴۳.





عالمیان، بدان جهت است که آن حضرت، ایمان و سعادت را حتی به کافران ارائه می‌کند، هرچند آنان، آن را نپذیرند؛ مانند کسی که به گرسنه‌ای طعامی بدهد و او نپذیرد، آن طعام دهنده، نعمت دهنده است، هرچند آن فرد گرسنه طعام او را قبول نکرده باشد.^{۱۱} این کلام فی‌الجمله درست است، اما نباید از این حقیقت غفلت کرد که حتی کسانی که ایمان نیاورده‌اند، نیز از ثمرات دستورها و برنامه‌های پیامبر(ص) برخوردار شده‌اند.

بنابراین رحمانیت پیامبر(ص) شامل همه بندگان خدا می‌شود و در سایه شریعت، همه انسانها از رحمت نبوی بهره می‌برند. در حقیقت، رحمت عام نبوی در چهارچوب رسالت آن حضرت، برای همه افراد بشر و نیز جنیان است، هرچند برخی به آن حضرت ایمان نیاورند. البته پیامبر(ص) براساس آیات قرآنی مانند «بِالْمُؤْمِنِينَ رِءُوفٌ رَحِيمٌ»^{۱۲} «نسبت به مؤمنان رئوف و مهربان است» و «وَرَحْمَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ»^{۱۳} «و برای کسانی که ایمان آورده‌اند، رحمت است»، رحمت خاصی نیز دارد که مؤمنان و ره‌یافتگان به دین مبین اسلام، از آن بهره‌مند می‌شوند. به این ترتیب، برخورداری از این دو نوع رحمت، از ویژگیهای اختصاصی پیامبر اسلام(ص) است که انبیا دیگر، از آن برخوردار نبودند.

نظرات تفاسیر فریقین

رحمت بودن پیامبر(ص) در کتابهای تفسیری فریقین، ذیل آیات مربوط، مورد بررسی قرار گرفته است که به برخی از تفاسیر شیعه و اهل سنت پرداخته می‌شود. از آنجا که تفاسیر شیعه با تفاسیر اهل سنت، در جزئیات مربوط به شرح این مفهوم و معانی و مصادیق آن، اختلافهایی دارند، نظرات مفسران شیعه و اهل سنت،

۱۱. مجمع البیان، ج ۴، ص ۶۷.

۱۲. توبه، ۱۲۸.

۱۳. توبه، ۶۱.

به صورت جداگانه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

(۱) تفاسیر شیعه

در تفاسیر شیعه، برای رحمة للعالمین بودن پیامبر(ص)، معانی مختلفی بیان شده است که به سه دسته تقسیم می‌شوند:

الف) جهانی و جاودانه بودن

محمدجواد مغنیه می‌گوید: «آیه «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ» خطاب به حضرت محمد(ص) است و رسالت او برای اولین و آخرین، رحمت است.

حضرت محمد(ص) بر جمیع انسانها، در همه زمانها و مکانها رحمت است»^{۱۴} مکارم شیرازی ذیل این آیه بیان می‌دارد: «از آنجا که آیات گذشته، بشارت حکومت روی زمین را به بندگان صالح می‌داد و چنین حکومتی، مایه رحمت برای همه مردم جهان است. در نخستین آیه مورد بحث، به رحمت عامه وجود پیامبر(ص) اشاره کرده و می‌گوید: ما تو را جز برای رحمت جهانیان نفرستادیم. عموم مردم دنیا اعم از مؤمن و کافر، همه مرهون رحمت تو هستند؛ چرا که نشر آیینی را به عهده گرفتی که سبب نجات همگان است، حال اگر گروهی از آن استفاده کردند و گروهی نکردند، این مربوط به خودشان است و تأثیری بر عمومی بودن، رحمت نمی‌گذارد. رحمت بودن وجود پیامبر(ص) برای همه جهانیان، جنبه مقتضی و فاعلیت فاعل دارد و مسلماً فاعلیت نتیجه بستگی به قابلیت قابل نیز دارد. تعبیر به «العالمین» جهانیان آنچنان مفهوم وسیعی دارد که تمام انسانها را در تمام اعصار و قرون شامل می‌شود و بنابراین این آیه را اشاره‌ای بر خاتمیت پیامبر(ص) می‌دانند؛ چرا که وجودش برای همه انسانهای آینده تا پایان جهان، رحمت و رهبر و پیشوا و مقتدا است»^{۱۵} قرشی نیز می‌گوید: «آیه «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ» حاکی است که این قرآن و تعلیمات، از مصادیق

۱۴. التفسیر الکاشف، ج ۵، ص ۳۰۴.

۱۵. تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۵۲۷.

رحمة العالمین بودن آن حضرت و نیز دلیل جهانی بودن رسالت آن حضرت است».^{۱۶}

همان‌طور که مشاهده می‌شود، مفسران در این آیه، منظور از رحمت را متعلق به همه انسانها برای همه زمانها می‌دانند که فقط شامل انسانهای زمان پیامبر(ص) نمی‌شود، بلکه منظور همه انسانها تا آخرالزمان است.

(ب) سعادت و عاقبت به خیری

سید محمدحسین فضل‌الله می‌گوید: «همانا پیامبر(ص) بر شما آمده (فرستاده شد)، تا همه امور را برای شما بگشاید و شما را در دنیا به راه مستقیم بدارد. شما را در دنیای جاودان آخرت نعمت دهد و بر شما همه خیرات را بفرستد و آنچه از شرّ برای شما می‌آید، از شما بازدارد».^{۱۷}

محمد تفسی‌تهرانی بیان می‌دارد: «از امام صادق(ع) نقل شده که مراد از رحمت بودن وجود مبارک حضرت ختمی مرتبت برای جهانیان واضح است؛ چون اهل ایمان به برکت وجود او، به سعادت دنیا و آخرت رسیدند و ایشان با اهل کفر و نفاق، با مدارا رفتار کردند و از عذابه‌های گوناگون از قبیل مسخ و خسف و غرق نجات یافتند و جان و مالشان محفوظ ماند. وجود ایشان موجب سعادت دنیا و آخرت تمام جهانیان بود. اما کسانی که از این سعادت محروم شدند، خودشان موجب حرمان خود را فراهم نمودند؛ چرا که حسن سلوک ایشان با دوست و دشمن، نزد دوست و دشمن مشهور و مسلم است».^{۱۸}

ملا فتح‌الله کاشانی می‌گوید: «ما حضرت محمد(ص) را مبعوث نکردیم، جز برای سعادت و موجب اصلاح زندگی و آخرت انسانها، پس هرکس از آنها تبعیت کند، رستگار و فرخنده در هر دو جهان است و هرکس تبعیت نکند، از شفاعت ما محروم است و قسمت خود

را ضایع کرده است».^{۱۹}

علامه طباطبایی در تفسیر خود، ذیل آیه ۱۰۷ سوره انبیاء، آورده است: «آیه مذکور دلالت بر رحمتی است که به سوی همه جماعت‌های بشری فرستاده می‌شود. جمع با الف و لام، دلیل عمومی بودن رحمت پیامبر(ص) است، علاوه بر اینکه مقتضای رسالت هم همین است. رحمت برای همه اهل دنیا به این جهت است که سعادت را برای اهل دنیا در دنیا و آخرتشان تأمین می‌کند. پیامبر(ص) برای اهل دنیا رحمت است، به جهت آثار حسنه‌ای که از قیام او، به دعوت حق‌اش در مجتمعات بشری به راه افتاد، که اگر وضع زندگی بشر آن روز را قبل از اینکه آن جناب مبعوث شود با وضعی که پس از قیام او به خود گرفت، مقایسه کنیم، کاملاً روشن می‌گردد».^{۲۰}

حسینی شاه عبدالعظیمی نیز می‌گوید: «و نفرستادیم تو را ای محمد، مگر در حالت بخشایش محض برای عالمیان؛ زیرا آنچه به آن مبعوث شده، سبب هدایت و سعادت ایشان و موجب صلاح معاش و معاد تمام عالمیان است».^{۲۱}

بنابراین در اینجا، مفسران منظور از رحمت را سعادت و نیک‌بختی برای انسانها می‌دانند؛ چون در صورت پیروی کردن از آن حضرت، انسان به سعادت دنیا و آخرت می‌رسد.

(ج) مانع عذاب الهی

شیخ طوسی می‌گوید: «آیه «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ»؛ یعنی محمد(ص) بر ما نعمت و رحمت است، و خداوند متعال بیان می‌کند که ارسال رسول خدا(ص) بر عالمیان نعمت است، و بر همه آنها ارسال شده است. دلیل نعمت بر کافر، آن است که ایمان را بر آنها عرضه و به آنها در ترک گناهانشان لطف کرده است و در قولی بیان شده است: نعمت است بر کافران،

۱۹. زبدة التفسیر، ج ۴، ص ۳۶۲.

۲۰. المیزان، ج ۱۴، ص ۴۶۸.

۲۱. تفسیر اثنی عشری، ج ۸، ص ۴۵۴.

۱۶. تفسیر احسن الحدیث، ج ۶، ص ۵۵۸.

۱۷. تفسیر من وحی القرآن، ج ۱۵، ص ۲۷۸.

۱۸. روان جاوید، ج ۳، ص ۸۴.





بدان دلیل که مانند امتهای گذشته، قذف و مسخ و دیگر عذابهای الهی بر آنها نازل نشده است».^{۲۲}

طبرسی در مجمع البیان آورده است: «تو را جز رحمت و نعمت برای مردم جهان نفرستاده‌ایم. ابن عباس می‌گوید: پیامبر برای خوب و بد و مؤمن و کافر رحمت است، پس برای مؤمن در دنیا و آخرت رحمت است و برای کافر، در همین دنیا که از بلاها و مسخها و هلاکتها معاف شده است. برخی می‌گویند: اینکه برای کافر نعمت است، این است که او را به ایمان و ثواب دائم هدایت کرده است، اگرچه او هدایت را نپذیرد، مثل اینکه برای گرسنه غذا ببرند و او نخورد».^{۲۳}

ملا فتح‌الله کاشانی می‌گوید: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ و ما نفرستادیم تو را ای محمد(ص)، إِلَّا رَحْمَةً» در حالتی که محض بخشایش «لِلْعَالَمِينَ» بر عالمیان را؛ زیرا که آنچه به آن مبعوث شده، سبب اسعاد و هدایت ایشان است و موجب صلاح و معاد و معاش ایشان که مطلوب و مرغوب است و از اینجا است که آن حضرت فرمود: «رَحْمَةٌ مَهْدَاةٌ» و رحمت او نسبت به کفار، امنیت ایشان است، از خسف و رجف و صیحه و غرق و غیر آن از انواع عذاب استیصال».^{۲۴} مانند این قول خداوند که می‌فرماید: «وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ»^{۲۵} «و خدا بر آن نیست که آنان را در حالی که تو در میان آنان به سر می‌بری، عذاب کند».

ابوالفتوح رازی بیان می‌دارد: «و ما نفرستادیم تو را ای محمد(ص)، جز رحمت و بخشایش جهانیان، و در آیه دلیل است بر بطلان قول مجرّه، آنجا که گفتند: خدای را بر کافر، هیچ نعمتی نیست، خدای تعالی می‌گوید: تو رحمت و نعمت جهانیانی و وجه آنکه رسول نعمت و رحمت بر کافر است، آن است که

وجود او و دعوت او، بر ایشان لطف است و آنچه ایشان اجابت دعوت او نکنند، از ایشان است نه از او، دگر آنکه به وجود او عذاب استیصال از ایشان برداشتند و این قول عبدالله بن عباس است».^{۲۶}

فیض کاشانی نیز می‌گوید: «ما مبعوث نکردیم محمد(ص) را، جز آنکه، آن حضرت را رحمت کافران قرار دادیم، برای اینکه از مسخ و قذف عذاب استیصال در امان باشند».^{۲۷}

بنابراین، این تفاسیر معتقدند که منظور از رحمت در این آیه، این است که وجود مبارک حضرت محمد(ص)، مانع عذاب الهی می‌شود که این خود یکی از جلوه‌های رحمت می‌باشد.

۲) تفاسیر اهل سنت

تفاسیر اهل سنت نیز همانند تفاسیر شیعه، برای رحمة للعالمین بودن پیامبر(ص) معانی مختلفی بیان می‌دارند که به سه دسته تقسیم می‌شوند، البته در جزئیات و مصادیق با تفاسیر شیعه اختلافهایی دارند:

الف) جهانی و جاودانه بودن

طبری می‌گوید: «این آیه، سخن خداوند متعال نسبت به پیامبرش حضرت محمد(ص) است که ای محمد(ص)، ما تو را جز رحمت به خلق نفرستادیم و سپس اهل تأویل در آن اختلاف کردند که آیا منظور جمیع عالم است و کسانی که محمد(ص) به آنها ارسال شد، مؤمنان و کافران هستند، یا خداوند اراده کرده فقط مؤمنان را نه کافران را». سپس به نقل روایتی از سعید بن جبیر از ابن عباس درباره آیه «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ» می‌پردازد: «خداوند هرکسی را که به خدا و روز آخرت و کتاب او، ایمان آورده باشد، در دنیا و آخرت، و هرکسی را که به خدا و پیامبر او، ایمان نیاورده باشد، از قذف، مسخ و ... حفظ می‌کند».^{۲۸}

۲۲. التبیان، ج ۷، ص ۲۸۵.

۲۳. مجمع البیان، ج ۱۲، ص ۱۷۴.

۲۴. منهج الصادقین فی الزام المخالفین، ج ۶، ص ۱۱۷.

۲۵. انفال، ۳۳.

۲۶. روض الجنان و روح الجنان، ج ۱۳، ص ۱۲۸.

۲۷. الصافی، ج ۳، ص ۳۵۹.

۲۸. جامع البیان، ج ۱۷، ص ۸۴.

سید قطب می‌گوید: «رسالت محمد(ص) برای قوم خودش و برای جملگی انسانهای بعد از خودش، رحمت بود. محمد(ص) با عنوان رحمت جهانیان فرستاده شده است. رحمت برای کسانی که به او ایمان آورده‌اند و رحمت برای کسانی که بدو ایمان نیاورده‌اند. هنوز که هنوز است، سایه این رحمت گسترده است و پیوسته نیز گسترده می‌ماند، برای افرادی که بخواهند این سایه رحمت را بر خود بدارند و به زیر چنین سایه رحمتی بروند و در زیر آن، با نسیم دلپذیر آسمان بیاسایند و در گرمای نیم‌روز سوزان زمین، به ویژه در این روزگاران، آسایش یابند و آسوده شوند. انسانها امروزه بیش از هر وقت دیگر نیازمند این رحمت و شبنم آن هستند؛ زیرا انسانها پریشان و سرگرداند. حیران و ویلان در بیابانهای برهوت مادی، و در دوزخ جنگها هستند، و دارای

جانهای فرومرده و دل‌های خشکیده‌اند».^{۲۹} مصطفی خرم‌دل می‌گوید: «پیامبر(ص) رحمت برای جهانیان و سبب سعادت دو جهان مردمان است؛ چرا که عمل به آیین و برنامه‌ای که او با خود آورده است، ناکامیها و بدبختیها و بیدادگریها و تباہکاریها را پایان می‌دهد و سرانجام تبدیل به حکومت صالحان جهان خواهد شد، و در پایان آنان را به نعمت جاوید و سرمدی آخرت نایل خواهد کرد».^{۳۰}

همان‌طور که بیان شد، تفاسیر اهل سنت، یکی از معانی رحمت را جهانی و جاودانه بودن می‌دانند؛ یعنی این رحمت نه تنها برای انسانهای زمان پیامبر(ص)، بلکه برای دیگر انسانها در زمانهای بعد، نیز نعمت است.

(ب) سعادت و عاقبت به خیری

زمخشری می‌گوید: «آن حضرت را از آن حیث برای جهانیان رحمت فرستاده است که اگر از او پیروی کنند، نیک‌بخت می‌شوند و هرکس که با او

مخالفت کند و از حضرت پیروی نکند، خود شیوه‌ای را برگزیده است که از سعادت بهره‌ای ندارد و به آن می‌ماند که خداوند چشمه‌ای پرآب جوشانده و مردم کشت و چهارپایان خود را از آب آن، آبیاری و سیراب می‌کنند و خود نیز از آن بهره‌مند و کامیاب می‌شوند و گروهی از مردم کاهلی می‌کنند و خود را از آن نعمت بزرگ، محروم نگاه می‌دارند. اما باید دانست چشمه همچنان جوشان و با عنوان نعمتی از جانب خدا و رحمتی برای هر دو گروه روان است. اما گروه کاهل بر خود ستم کرده و خود را از چیزی که برایشان سودمند است، بی‌بهره نگاه داشته‌اند. برخی از مفسران هم گفته‌اند از آن حیث برای بدکاران ما رحمت است که ... از عذاب جانکاه فوری ایمن مانده‌اند».^{۳۱}

فخررازی می‌گوید: «آن حضرت که بر او سلام باد، رحمت در دین و دنیا است. اما در دین مبعوث شد، تا انسانها را از جاهلیت و ضلالت در بیاورد و در دنیا آنها را راحت کرد، به دلیل زیادی ذلت و جنگ و کشتار و به برکت دینی که آورد».^{۳۲}

صابونی بیان می‌دارد: «ای محمد(ص) ما تو را جز به عنوان رحمت بر عالمیان نفرستادیم. در حدیث آمده است: همانا من رحمت و برکتی هستم که از جانب خدا به بشریت هدیه شده است. پس هرکس این رحمت را بپذیرد و این نعمت را سپاسگزار باشد، در دنیا و آخرت نیک‌بخت خواهد شد. خدا فرمود است «رحمة للمؤمنین»، بلکه فرموده «رحمة للعالمین»؛ زیرا با فرستادن سید و بزرگ پیامبران(ع) به تمام خلق، رحم و کرم مبذول داشته است؛ زیرا نیک‌بختی بزرگ و رستگاری را به ارمغان آورده است و به وسیله او، به خیرات فراوانی نایل آمده‌اند؛ بعد از نادانی آنان را آگاه ساخت و بعد از گمراهی، آنان را

۳۱. تفسیر کشاف، ج ۳، ص ۲۳۳.

۳۲. تفسیر کبیر، ج ۲۲، ص ۲۰۰.

۲۹. فی ظلال القرآن، ج ۴، صص ۶۳۵ و ۶۳۶.

۳۰. تفسیر نور، ص ۸۸۶.





به راه راست هدایت کرد، پس واقعاً رحمة للعالمین است. حتی به کفار هم رحم شده است که کيفرشان به تأخیر افتاده ... و با مسخ و فرورفتن در زمین عذاب نیافته‌اند»^{۳۳}.

آخوند گلشاهی نیز می‌گوید: «ای محمد(ص) ما تو را بر عالمیان فرستادیم، مگر اینکه بر مؤمنان و گرویدگان، رحمت باشی، تا در آخرت، با برکت تو، به بهشت جاودان برسند»^{۳۴}. همچنین سعدی سروده است: تویی سایه لطف حق بر زمین / پیغمبر صفت رحمة للعالمین.^{۳۵}

بنابراین، این تفاسیر معتقدند که یکی از معانی رحمت بودن پیامبر(ص)، سعادت و عاقبت به خیری برای تمام انسانها می‌باشد، البته در صورتی که انسانها از آن حضرت پیروی کنند.

ج) مانع عذاب الهی

عبدالرئوف مخلص می‌گوید: «ای محمد(ص) تو را نفرستادیم، با قوانین و احکام شرع (جز رحمتی برای عالمیان)، البته تعبیر العالمین شامل همه جهانیان از جمله کفار می‌شود، پس معنای رحمت بودن آن حضرت برای کفار، این است که آنان به سبب بعثت ایشان، از عذابهای دنیوی چون خسف (فرورفتن در زمین)، مسخ و عذاب استیصال (ریشه‌کن شدن کلی از عرصه هستی) ایمن شده‌اند. در حدیث شریف آمده است: *إِنَّمَا أَنَا رَحْمَةٌ مَهْدَاةٌ*؛ جز این نیست که من رحمتی اهدا شده هستم»^{۳۶}. سیوطی نیز می‌گوید: «هرکس ایمان آورد، موجب رحمت در دنیا و آخرت بر آنها است و هرکس ایمان نیاورد، در دنیا، آنها را از عذاب استیصال، مسخ، فسخ و قذف می‌کند»^{۳۷}. ماوردی می‌گوید: «رحمت اراده شده دو وجه است:

۱. هدایت به سوی طاعت خدا و استحقاق ثواب آن ۲. برطرف کردن عذاب استیصال از آنها. جمله للعالمین دو وجه است: ۱. هرکسی که ایمان آورده یعنی مؤمنان ۲. جمیع مؤمنان و کافران که گفته شده عذاب استیصال را از کافران برداشته است»^{۳۸}.

بنابراین، یکی از معانی کلمه رحمت این است که کسانی که ایمان نیاورده‌اند، نیز در دنیا از عذاب مسخ، فسخ و قذف در امان می‌باشند.

شبهه «عدم مطابقت رحمت بودن پیامبر(ص)

با جنگهای بسیار ایشان» و پاسخ آن

شبهه‌ای که مطرح می‌شود، این است که انسانی که پیامبر رحمت بوده، چرا این قدر جنگیده است؟ در پاسخ باید گفت: کسانی که سردمدار خشونت و جنایت در جهان هستند، با خشن معرفی کردن پیامبر(ص) و دین اسلام، می‌خواهند بر روی جنایت خود سرپوش گذارند. پیامبر(ص) در ۲۳ سال پیامبری خود، ۵۵ سریه و ۲۷ غزوه داشته است. جالب است دانسته شود طبق مدارک معتبر تاریخی، مجموع کشته‌شدگان همه جنگهای صدر اسلام، حدود یک هزار نفر از مجموع مسلمانان و کفار بوده است.^{۳۹}

پروفسور حمیدالله می‌نویسد: «محمد(ص) بر بیش از یک میلیون مایل مربع حکومت می‌کرد. این مساحت معادل تمام خاک اروپا منهای روسیه بوده است، به طوری که در آن روزها، این محوطه مسکن میلیونها نفر بود»^{۴۰}. وی در جای دیگری می‌گوید: «در ضمن این افرادی که در این جنگها در مقابل پیامبر(ص) کشته شده‌اند، ظالم به مردم و آدم‌کش بوده‌اند. این در حالی است که مدعیان حقوق بشر در دنیا، در هیروشیما ۱۵۰ هزار نفر را در عرض چند ثانیه به

۳۳. صفوة التفاسیر، ج ۲، ص ۴۷۸.

۳۴. تفسیر گلشاهی، ج ۴، ص ۳۵۶.

۳۵. بوستان، ص ۹۷.

۳۶. انوار القرآن، ج ۴، ص ۶۶.

۳۷. الدر المنثور، ج ۴، ص ۳۴۲.

۳۸. النکت و العیون، ج ۳، ص ۴۷۷.

۳۹. تاریخ طبری، ج ۳، ص ۱۳۳.

۴۰. جنگ و صلح در قانون اسلام، ص ۱۷.

قتل رساندند. حال شما قضاوت کنید؛ آیا پیامبر اسلام (ص) فردی خشن بوده، یا غرب و سردمداران حقوق بشر».^{۴۱}

در قرآن آمده است: «لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ»^{۴۲}؛ «یقیناً پیامبری از جنس خودتان به سویتان آمد که به رنج و مشقت افتادنتان بر او دشوار است، اشتیاق شدیدی به [هدایت] شما دارد، و نسبت به مؤمنان رئوف و مهربان است». این آیه بیانگر آن است که پیامبر (ص) در بی خون‌ریزی و کشتار نبوده است. همچنین آیه «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ»^{۴۳}؛ «بر کافران سرسخت و در میان خودشان با یکدیگر مهربانند»، پیامبر (ص) را در برابر کسانی که در مقابل دین خدا می‌ایستند، شدید معرفی می‌کند.

انسان نباید در مواردی که مربوط به خدا و دین او است، کوتاه بیاید، در این موارد، انسان باید مقاومت و صلابت بیشتری به خرج دهد. در زندگی پیامبر (ص)، رحمت در مواردی زیاد است که به زندگی شخصی وی بازمی‌گردد؛ یعنی پیامبر (ص) در مسائل شخصی، در مقابل دشنام و توهین، موضع رحمت را اتخاذ کرده است. اما پیامبر (ص) در زندگی اجتماعی و آنجا که پای دین خدا به میان می‌آید، نرمش کمتری به خرج می‌دهد. روایتی در کتاب الاحتجاج موجود است که در آن، امام صادق (ع) به نقل از پدر بزرگوار خود، آینده دین را بیان می‌کند. امام صادق (ع) پس از نام بردن از یکایک امامان (ع)، برای ذکر امام زمان (ع)، عبارت «ثم اکمل دینی بانه محمد رحمة للعالمین»^{۴۴} را بیان می‌کند. این نکته جالب است که هم آغاز دین و هم ختم آن، با رحمت است.

پیامبر رحمت، مانع عذاب الهی

وجود با برکت آن حضرت، مانع از عذاب الهی بر گنهکاران و کفار است. در منابع شیعه و اهل سنت از امیرالمؤمنین علی (ع) روایت شده که آن حضرت فرمود: «در روی زمین، دو وسیله امان از عذاب الهی است؛ یکی وجود با برکت رسول خدا که از دنیا رحلت فرمود و دیگری استغفار که به آن تمسک جوید».^{۴۵}

از ویژگیهای پیامبر رحمت، این است که هیچ‌گاه کسی را نفرین نکرد و در هیچ حال از درگاه خداوند عذاب کسی را درخواست نکرد. حضرت نوح (ع) عرضه داشت: «رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِمَنْ دَخَلَ بَيْتِي مُؤْمِنًا وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَلَا تَزِدِ الظَّالِمِينَ إِلَّا تَبَارًا»^{۴۶}؛ «پروردگارا! مرا و پدر و مادرم را و هرکس که با ایمان به خانها در آید و همه مردان و زنان با ایمان را بیامرز، و ستمکاران را جز هلاکت میفزای». اما از پیامبر درخواست می‌کردند که در حق مشرکان نفرین کند، می‌فرمود: «من برای رحمت آمده‌ام، نه لعنت».^{۴۷} بلکه در حق آنها و برای هدایتشان دعا می‌کرد. همین که پیامبر رحمت در فتح مکه وارد شهر شد، کفار و مشرکان را که از هرگونه اهانت، جسارت، غارت و تجاوز بر پیامبر (ص) و یاران او کوتاهی نکردند و انتظار مجازات داشتند، مورد عفو و بخشش قرار داد^{۴۸} و فرمود: «امروز، روز رحمت و مهرورزی است» و همچنین فرمود: «بروید امروز همه شما آزاد هستید».

پیامبر رحمت حتی در لحظه مرگ، دلواپس عذاب امت گنهکار خود در قیامت بود. هنگامی که ملک الموت برای قبض روح آمد، پیامبر (ص) فرمود: «صبر کن جبرئیل بیاید». بعد از مدتی که جبرئیل

۴۵. نهج البلاغه، ص ۱۰۷.

۴۶. نوح، ۲۸.

۴۷. سیره نبوی منطبق علمی، ص ۱۳۲.

۴۸. تفسیر نمونه، ج ۱۰، ص ۶۶.

۴۱. همان، ص ۲۰.

۴۲. توبه، ۱۲۸.

۴۳. فتح، ۲۹.

۴۴. الاحتجاج، ج ۱، ص ۶۷.





آمد، فرمود: «چرا دیر آمدی؟» جبرئیل عرض کرد: یا رسول الله مشغول تزئین بهشت بودیم. فرمود: «اینها دلم را خوش نمی‌کند، بگو با امت من چه خواهد شد»، جبرئیل رفت و برگشت و عرضه داشت: خداوند سلام می‌رساند و می‌فرماید: «آن قدر از امت در روز قیامت شفاعت کن، تا خودت راضی شوی».^{۴۹}

امام علی(ع) نقل می‌کند که رسول خدا(ص) فرمود: «روز قیامت، من در موقف شفاعت می‌ایستم و آن قدر گنهکاران را شفاعت کنم که خداوند گوید: آیا راضی شدی ای محمد! من می‌گویم: راضی شدم، راضی شدم».^{۵۰}

رفق و مدارا در سیره پیامبر(ص)

رفق و مدارا و ملایمت، همواره در رفتار و سیره اجتماعی آن حضرت، مشهود بود که یکی از شئون رحمة للعالمین است. خداوند متعال در قرآن کریم، نرم‌خویی و مدارای پیامبر را رحمت الهی قلمداد و با عظمت از آن یاد نموده است: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ»؛^{۵۱}

«[ای پیامبر!] پس به مهر و رحمتی از سوی خدا، با آنان نرم‌خوی شدی، و اگر درشت‌خوی و سخت‌دل بودی، از پیرامونت پراکنده می‌شدند؛ بنابراین از آنان گذشت کن، و برای آنان آمرزش بخواه، و در کارها با آنان مشورت کن، و چون تصمیم گرفتی بر خدا توکل کن؛ زیرا خدا توکل‌کنندگان را دوست دارد».

نراقی در معنای رفق می‌گوید: «مدارا، ملایمت و خوش‌برخوردی با مردم و تحمل ناگواری و آزارها است».^{۵۲} به تعبیر غزالی، «نرم‌خویی، ویژگی پسندیده

الهی است که صفت مقابل آن، درشتی و تندگی است، که درشتی در اثر خشم، ولی نرم‌خویی نتیجه اخلاق نیکو و سلامت روح است».^{۵۳} واژه کوتاه مدارا، بسیاری از فضیلتها از قبیل انسان‌دوستی، فروبردن خشم، دوری از کینه‌توزی، بردباری و خویش‌داری، پرهیز از جفا و ستم، مقابله به نیکی با آن که بدی کرد، دوری از خشونت و سخت‌گیری بر مردم، و جذب دیگران را در درون خود جای داده است.

امام صادق(ع) نقل می‌کند که پیامبر(ص) فرمود: «خداوند به من دستور داد به مدارا کردن با مردم، همان‌طور که به انجام واجبات دستور داد».^{۵۴} همچنین پیامبر(ص) می‌فرماید: «سه چیز است که اگر در کسی نباشد، کارش به پایان نمی‌رسد؛ ورع و پارسایی که او را از گناهان بازدارد، خلق و خوئی که بدان با مردم مدارا کند، بردباری و حلمی که بدان جاهل و جاہل را دفع کند».^{۵۵}

یکی از مصادیق رحمت و مدارا، مراعات حال دیگران است، بنابراین خود پیامبر(ص) در نماز و خطبه، مراعات همه را می‌کرد و نمازش را از همه سبک‌تر و خطبه‌اش را از همه کوتاه‌تر می‌کرد. امام علی(ع) در سفر تبلیغی‌اش به یمن، از پیامبر رحمت سؤال کرد: «چگونه با مردم نماز بخوانم؟» پیامبر(ص) فرمود: «در حد ناتوان‌ترین آنها»، و خود امام علی(ع) به مالک اشتر سفارش نمود: «در نماز جماعت با مردم مدارا کن و با طولانی کردن نماز، مردم را پراکنده مساز».^{۵۶}

نرمش و مدارای پیامبر(ص) در پیشرفت اسلام، نقش بسزایی داشت، بنابراین خداوند به او فرمود: اگر نرم و مهربان نبودی، مردم از اطراف تو پراکنده می‌شدند. برخورد کریمانه حضرت در فتح مکه با کسانی که

۴۹. موعظه المؤمنین، ص ۱۸۴.

۵۰. الکافی، ج ۲، ص ۱۱۷.

۵۱. همان، ج ۲، ص ۱۸۱.

۵۲. نهج البلاغه، ص ۱۰۷.

۴۹. سیره نبوی منطق علمی، ص ۱۳۳.

۵۰. تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۹۹.

۵۱. آل عمران، ۱۵۹.

۵۲. جامع السعادات، ج ۱، ص ۳۴۰.

سالها با او دشمنی کرده بودند، طوفانی در دلها ایجاد کرد که به فرموده قرآن، فوج فوج مسلمان شدند.

فلسفه رحمه للعالمین بودن پیامبر(ص)

زیباترین و جامع‌ترین کلام برای تبیین فلسفه بعثت پیامبر اکرم(ص)، فرمایش امام علی(ع) است، به این بیان که قبل از بعثت پیامبر اکرم(ص)، هنوز بشریت در یک نادانی و یک نافرمانی مفرط به سر می‌برد و نیازمند یک رحمت دوباره بود: «ان الله بعث محمدا نذیرا للعالمین و میهننا علی المسلمین، فلما مضی تنازع المسلمون الامر من بعده».

بسیاری از مردم، ارزش این نعمت مهم خداوند را برای بشریت درک نمی‌کنند، این نعمت عبارت است از فرستادن حضرت محمد(ص) به عنوان رحمت برای انسانها و جنیان، همچنین نباتات، جمادات و حیوانات. خداوند با فرستادن پیامبر(ص)، انسانیت را گرامی داشت و هلاکت و نابودی را از آنان دفع نمود.^{۵۷} پس زندگی و وفات پیامبر(ص) رحمت بود، همان‌طور که آن حضرت می‌فرماید: «حیاتی خیر لکم و موتی خیر لکم». امام علی(ع) می‌فرماید: «گواهی می‌دهم که محمد(ص) برگزیده خدا، سفیر وحی و رسول رحمت او است».^{۵۸}

پیامبر(ص) رحمت است؛ زیرا آنچه موجب سعادت ابدی مردم است، برایشان آورده است، حتی برای مشرکان و کافران؛ همانند کسی که سفره‌ای از طعام گسترده، ولی بعضی از مردم از آن غذاها استفاده نمی‌کنند.^{۵۹} وجه دیگر رحمت بودن ایشان، این است که در امتهای گذشته، خداوند به سبب نافرمانی آنها از پیامبرانشان، آنان را در دنیا گرفتار عذابهایی نمود، در حالی که بر امت پیامبر اکرم(ص)، با وجود نافرمانی و اذیت و آزار بیشتر، هرگز عذابی فرستاده نشد؛ زیرا

هرگاه که فرشته‌ای از سوی خداوند برای نابود کردن تکذیب‌کنندگان و مخالفان به یاری پیامبر(ص) می‌آمد، می‌فرمود: «إنما بعثت رحمة» و نیز به قوم خود دعا می‌فرمود: «اللهم اهد قومی فانهم لا یعلمون».^{۶۰}

امام باقر(ع) نقل می‌کند که امام علی(ع) فرمود: «در زمین دو امان و وسیله نجات از عذاب الهی بود که یکی از آنها برداشته شد، دومی را دریابید و به آن جنگ بزنید. اما امانی که برداشته شد، رسول خدا(ص) بود و امانی که باقی مانده استغفار است. خداوند می‌فرماید: «وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ وَمَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ»^{۶۱} «و خداوند آنها را عذاب نمی‌کند، تا تو در میان آنها هستی و خداوند آنها را عذاب نمی‌کند، در حالی که استغفار می‌کنند».^{۶۲}

ابوسعید خدری می‌گوید: عمار به رسول خدا(ص) عرضه داشت: ای کاش تو در بین ما می‌ماندی و به اندازه نوح عمر داشتی. پیامبر(ص) در پاسخ فرمود: «ای عمار! حیات و زندگی من برای شما خیر است و مردنم برای شما شر نیست؛ اما اینکه حیاتم خیر است، به این جهت است که با شما صحبت می‌کنم و در میان شما هستم و برایتان از خداوند طلب مغفرت می‌نمایم و اما برای بعد از وفاتم، شما تقوای خدا را پیشه سازید و به نیکی بر من و اهل‌بیتم درود فرستید، به درستی که اعمال شما به طور مشخص با اسم خودتان و پدران و قبايلتان بر من عرضه می‌گردد. اگر اعمال شما خیر باشد، من خدا را سپاس می‌گزارم و اگر بد باشد، از خدای تعالی برای گناهانتان مغفرت و بخشش می‌طلبم». در این هنگام ناگهان بعضی از منافقان و کسانی که در دل شک و تردید نسبت به مقام آن حضرت داشتند، گفتند: این یک دروغ بزرگ است. او خیال می‌کند که بعد از مرگش رفتار هریک

۶۰. مناقب آل ابی‌طالب، ج ۱، ص ۱۶۶.

۶۱. انفال، ۳۳.

۶۲. نهج البلاغه، ص ۱۰۷.

۵۷. «سیمای پیامبر اعظم(ص) در قرآن»، ص ۱۲۸.

۵۸. نهج البلاغه، ص ۲۹۵.

۵۹. مجمع البیان، ج ۴، ص ۶۷.





از پیروانش با مشخصات آنها به او عرضه می‌شود! در این هنگام بود که آیه کریمه «وَقُلْ اَعْمَلُوا فِی سَبِيلِ اللَّهِ عَمَلِكُمْ وَرَسُولِهِ وَالْمُؤْمِنُونَ»^{۶۳} نازل شد، اصحاب به حضرت عرضه داشتند: مؤمنان چه کسانی هستند؟ حضرت در پاسخ فرمود: «آنها آل محمد و امامان از آنان هستند».^{۶۴}

پیامبر(ص) به فرمان الهی، مأمور به رحمت، مهربانی و دلسوزی با مردم بود، همان‌گونه که قرآن کریم در آیات فراوانی این نکته را متذکر می‌شود: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لَنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِی الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ»^{۶۵} [ای پیامبر!] پس به مهر و رحمتی از سوی خدا با آنان نرم‌خوی شدی، و اگر درشت‌خوی و سخت‌دل بودی، از پیرامونت پراکنده می‌شدند؛ بنابراین از آنان گذشت کن، و برای آنان آمرزش بخواه، و در کارها با آنان مشورت کن، و چون تصمیم گرفتی بر خدا توکل کن؛ زیرا خدا توکل‌کنندگان را دوست دارد»، «لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ»^{۶۶} «یقیناً پیامبری از جنس خودتان به سویتان آمد که به رنج و مشقت افتادنتان بر او دشوار است، اشتیاق شدیدی به [هدایت] شما دارد، و نسبت به مؤمنان رئوف و مهربان است» و «فَلَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسِكَ عَلَى آثَارِهِمْ إِنْ لَمْ يُؤْمِنُوا بِهَذَا الْحَدِيثِ أَسَفًا»^{۶۷} «شاید تو می‌خواهی اگر [این معاندان لجوج] به این سخن [که قرآن کریم است] ایمان نیاورند، خود را از شدت اندوه هلاک کنی!».

پیامبر(ص) به واسطه اینکه رسول رحمت بود، در امر هدایت و تربیت مردم دلسوزی و اهتمام فراوان

داشت. او برای هدایت مردم و نجات آنها از گمراهی، تنها به آموزش بسنده نفرمود، بلکه تمام توان خود را در امر تربیت و تزکیه امت به کار برد. شناخت شخصیت پیامبر(ص)، امری واجب و وظیفه‌ای عقلی است که هر مسلمانی باید با نبوت آن حضرت و اختصاصات آن آشنایی داشته باشد.

نتیجه‌گیری

۱. از آیات مختلف قرآن به خوبی استفاده می‌شود که پیامبر(ص)، رحمت و لطف خداوند بر جهان بشریت است؛ یعنی پیامبر(ص) برای همه مردم، اعم از کافر و مؤمن رحمت عامه دارد؛ زیرا نشر آیینی را بر عهده گرفته که سبب نجات همگان است. البته رحمت خاصی نیز دارد که مؤمنان و ره‌یافتگان به دین مبین اسلام، از آن بهره‌مند می‌شوند. رحمت بودن پیامبر(ص)، به مردم زمان ایشان اختصاص ندارد، بلکه مردم زمانهای دیگر تا آخرالزمان را نیز دربر می‌گیرد.

۲. مفسران فریقین برای رحمت بودن پیامبر(ص) سه معنای کلیدی مطرح کرده‌اند: جهانی و جاودانه بودن، سعادت و عاقبت به خیری، و مانع عذاب الهی. اما تفاسیر شیعه و اهل سنت در جزئیات، مصادیق و گستره این مفاهیم، با یکدیگر اختلافی دارند.

۳. هدف پیامبر(ص) از جنگ، خون‌ریزی و کشتار نبوده است. کسانی که این شبهه را مطرح می‌کنند، سردمداران خشونت و جنایت در جهان هستند که می‌خواهند با خشن معرفی کردن پیامبر(ص) و دین اسلام، بر روی جنایت خود سرپوش بگذارند.

۴. پیامبر(ص) هیچ‌گاه کسی را نفرین، و در هیچ حال از درگاه خداوند عذاب کسی را درخواست نکرد، و می‌فرمود: من برای رحمت آمده‌ام، نه لعنت. بلکه در حق آنها و برای هدایتشان دعا می‌کرد. نرمش و مدارای پیامبر(ص) در پیشرفت اسلام، نقش بسزایی داشت، بنابراین خداوند به او فرمود: اگر نرم و مهربان نبودی، مردم از اطراف تو پراکنده می‌شدند.

۶۳. توبه، ۱۰۵.

۶۴. بحار الانوار، ج ۱۷، ص ۱۴۴.

۶۵. آل عمران، ۱۵۹.

۶۶. توبه، ۱۲۸.

۶۷. کهف، ۶.

- قرآن کریم.
- آخوند گلشاهی، آنه طواق، تفسیر گلشاهی، تهران، احسان، چاپ اول، ۱۳۸۷ ش.
- ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، نجف، حیدریه، ۱۳۷۶ ش.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دارصادر، چاپ دوم، ۱۳۸۸ ق.
- ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر قرآن، تصحیح: محمدجعفر یاحقی و محمد مهدی ناصح، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۱ ش.
- ثقفی تهرانی، محمد، روان جاوید در تفسیر قرآن مجید، تهران، برهان، چاپ دوم، ۱۳۷۶ ش.
- جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیه، تحقیق احمد عبدالغفور عطار، بیروت، دارالعلم للملایین، چاپ چهارم، ۱۹۹۰ م.
- حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد، تفسیر اثنی عشری، تهران، میقات، ۱۳۶۳ ش.
- خدوری، مجید، جنگ و صلح در قانون اسلام به ضمیمه رسول اکرم در میدان جنگ، ترجمه غلامرضا سعیدی، تهران، اطلاعات، ۱۳۸۸ ش.
- خرم دل، مصطفی، تفسیر نور، تهران، احسان، چاپ سوم، ۱۳۷۸ ش.
- دلشاد تهرانی، مصطفی، سیره نبوی منطق علمی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۶ ش.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، ترجمه و تحقیق سید غلامرضا خسروی حسینی، قم، المكتبة المرتضویة لاحیاء آثار الجعفریة، چاپ چهارم، ۱۳۸۷ ش.
- زحیلی، وهبه، التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعه و المنهج، ترجمه عبدالرئوف مخلص، تربت جام، احمد جام، ۱۳۷۷ ش.
- زمخشری، محمود بن عمر، تفسیر کشاف، ترجمه مسعود انصاری، تهران، ققنوس، چاپ اول، ۱۳۸۹ ش.
- سعدی، مصلح الدین شیرازی، بوستان، تصحیح: غلامحسین یوسفی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ بیست و چهارم، ۱۳۸۱ ش.
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، الدر المنثور فی تفسیر بالمأثور، بیروت، داراحیاء التراث العربی، چاپ اول، ۱۴۲۱ ق.
- شریف رضی، نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم، مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین (ع)، ۱۳۸۱ ش.
- صابونی، محمدعلی، صفوة التفاسیر، ترجمه محمدطاهر حسینی، تهران، احسان، چاپ اول، ۱۳۸۳ ش.
- طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، بی جا، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، چاپ دوم، بی تا.
- طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج، نجف، دارالنعمان، ۱۳۸۶ ق.
- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان لعلوم القرآن، ترجمه علی کرمی، تهران، فراهانی، چاپ سوم، ۱۳۸۵ ش.
- طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، اساطیر، ۱۳۷۵ ش.
- همو، جامع البیان عن تأویل آی القرآن، تحقیق: عبدالله بن محسن ترکی، قاهره، مرکز بحوث و الدراسات العربیه و الاسلامیه بدار هجر، چاپ اول، ۱۴۲۲ ق.
- طوسی، محمد بن حسن، التبیان الجامع لعلوم القرآن، تصحیح: احمد حبیب قصیر عاملی، بیروت، داراحیاء التراث العربی، بی تا.
- غزالی، محمد بن محمد، موعظه المؤمنین من احیاء علوم الدین، ترجمه طاهره لاوژه، بی جا، بی تا، ۱۳۹۰ ش.





- فخررازی، محمد بن عمر، تفسیر کبیر، بیروت، داراحیاء التراث العربی، چاپ اول، بی تا.
- فضل الله، سید محمدحسین، تفسیر من وحی القرآن، بیروت، دارالملاک، ۱۴۱۹ق.
- فیض کاشانی، ملا محسن، الصافی، قم، دفتر نشر نوید اسلام، چاپ دوم، ۱۳۸۶ش.
- قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ش.
- همو، تفسیر احسن الحدیث، تهران، بنیاد بعثت، ۱۳۷۴ش.
- قطب، سید، فی ظلال القرآن، ترجمه مصطفی خرم دل، تهران، احسان، چاپ پنجم، ۱۳۸۲ش.
- کاشانی، ملا فتح الله، زبدة التفاسیر، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه، چاپ اول، ۱۴۲۳ق.
- همو، منهج الصادقین فی الزام المخالفین، تصحیح: ابوالحسن تهرانی، تهران، اسلامیه، ۱۳۷۸ش.
- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تصحیح: علی اکبر غفاری، بیروت، دارالتعارف، چاپ چهارم، ۱۴۰۱ق.
- مازندرانی، ملا صالح، شرح اصول الکافی، تحقیق: میرزا ابوالحسن شعرانی، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۲۱ق.
- ماوردی، علی بن محمد، النکت و العیون (تفسیر الماوردی)، تحقیق: سید بن عبدالمقصود، بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت، داراحیاء التراث العربی، چاپ اول، ۱۴۰۳ق.
- محمدنیا کیمانی، مکرم، «سیمای پیامبر اعظم (ص) در قرآن»، مجله کیهان فرهنگی، شماره ۲۴۸، ۱۳۸۶ش.
- مخلص، عبدالرئوف، انوار القرآن، تربت جام، احمد جام، چاپ اول، ۱۳۸۱ش.
- مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰ش.
- مغنیه، محمدجواد، التفسیر الکاشف، قم، دارالکتاب الاسلامی، چاپ اول، ۱۴۲۴ق.
- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ سی و پنجم، ۱۳۷۷ش.
- نراقی، مهدی بن ابی ذر، جامع السعادات، ترجمه: جلال الدین مجتبیوی، تهران، حکمت، ۱۳۷۷ش.
- یوسفی مقدم، محمدصادق، بررسی دیدگاهها درباره اختصاصات پیامبر خاتم (ص) از نگاه قرآن، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۹۰ش.